توقف مرحوم مجلسی در جواب از اشکال فیض کاشانی به تحریف قرآن

فرمایش دوم ایشان هم اصل روایاتی است که به تحریف قرآن مربوط میشود. مرحوم مجلسی در مرآة العقول وقتی به باب نوادرمیرسند، در آخرین روایت این باب، به این صورت میفرمایند:

> ۲۸ علي بن الحكم عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله ع قال: إنالقرآن الذي جاء به جبرئيل ع إلى محمد ص سبعة عشر ألف آية.
>
> الحديث الثامن و العشرون: موثق. و في بعض النسخ عن هشام بن سالم موضع هارون بن مسلم، فالخبر صحيح و لا يخفى أن هذا الخبر و كثير من الأخبار الصحيحة صريحة في نقص القرآن و تغييره، و عندي أن الأخبار في هذا الباب متواترة معنى، و طرح جميعها يوجب رفع الاعتماد عن الأخبار رأسا بل ظني أن الأخبار في هذا الباب لا يقصر عن أخبار الإمامة فكيف يثبتونها بالخبر.
>
> فإن قيل: إنه يوجب رفع الاعتماد على القرآن لأنه إذا ثبت تحريفه ففي كل آية يحتمل ذلك و تجويزهم عليهم السلام على قراءة هذا القرآن و العمل به متواتر معلوم إذ لم ينقل من أحد من الأصحاب أن أحدا من أئمتنا أعطاه قرانا أو علمه قراءة، و هذا ظاهر لمن تتبع الأخبار، و لعمري كيف يجترئون على التكلفات الركيكة في تلك الأخبار مثل ما قيل في هذا الخبر إن الآيات الزائدة عبارة عن الأخبار القدسية أو كانت التجزية بالآيات أكثر و في خبر لم يكن أن الأسماء كانت مكتوبة على الهامش على سبيل التفسير و الله تعالى يعلم و قال السيد حيدر الآملي في تفسيره أكثر القراء ذهبوا إلى أن سور القرآن بأسرها مائة و أربع عشرة سورة و إلى أن آياته ستة آلاف و ستمائة و ست و ستون آية ... **[1]**

شما به هر ساعتی از ساعت سنی ها و سلفی ها بروید، این عبارت مرحوم مجلسی را میآورند.

«... فالخبر صحيح و لا يخفى أن هذا الخبر و كثير من الأخبار الصحيحة صريحة في نقص القرآن و تغييره»؛ خبر چه بود؟ **«إن القرآن الذي جاء به جبرئيل ع إلى محمد ص سبعة عشر ألف آية»**؛ هفده هزار آیه داشته. درحالیکه الآن شش هزار آیه است. نزدیک سه برابر تفاوت دارند. ذیل این حدیث مرحوم مجلسی این را فرمودند:

«و عندي»؛ در ساعتها این قسمت را می‌آورند.**«أن الأخبار في هذا الباب متواترة معنى، و طرح جميعها يوجب رفع الاعتماد عن الأخبار رأسا بل ظني أن الأخبار في هذا الباب لا يقصر عن أخبار الإمامة فكيف يثبتونها بالخبر»**؛ اگر قرار باشد که این اخبار را رد کنند، این هم مثل همان اخبار امامت است. امامت را چطور با اخبار ثابت می‌کنند؟ همانطوری که آن با امامت ثابت است، این هم ثابت است.

«**فإن قيل**»؛ این فرمایش مرحوم فیض است. ایشان هم در طبقه معاصرین هستند. البته مقداری با تقدم مختصری. الآن یادم نیست در وافی گفته‌اند یا نه. اما در علم الیقین این را دارند. مرحوم فیض سه کتاب خوب دارند؛ علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین. من این را در علم الیقین ایشان دیدم. مرحوم فیض مدافع این هستند که به‌هیچوجه تغییر [نشده است]. همانی که مرحوم صدوق، سید مرتضی و شیخ الطائفه فرمودند.

«**فان قيل إنه يوجب رفع الاعتماد على القرآن**»؛ اگر این را بگویید، وقتی به هر آیه‌ای می‌رسید می‌گویید که تغییر کرده است. می‌گویید که حذف شده و نصف آن نیامده است. دیگر هیچ کاری نمی‌توانید بکنید.«لأنه إذا ثبت تحريفه ففي كل آية يحتمل ذلك و تجويزهم عليهم السلام على قراءة هذا القرآن و العمل به متواتر معلوم إذ لم ينقل من أحد من الأصحاب أن أحدا من أئمتنا أعطاه قرانا أو علمه قراءة»؛ به‌عنوان قرآن منحصر به فرد.«و هذا ظاهر لمن تتبع الأخبار». این «قلت» هیچ جوابی ندارد. من عرض کردم در نسخه‌های مرآة ببینید. بعد سر مطلب دیگری می‌روند.

«و لعمري كيف يجترئون على التكلفات الركيكة في تلك الأخبار»؛ مثل همینجا. این فرمایش مرحوم مجلسی ثانی است. ولی ربطی به جواب او ندارد. از اینجا و از «قال السيد حيدر الآملي»، معلوم می‌شود که مرحوم مجلسی در مرآة العقول یادداشتهایی را گذاشته بودند که بعدا به آن نظم بدهند. اما بقیه آنها بعداً نیامده و وقتی چاپ می‌کردند اینها را زیر هم گذاشته‌اند. و حال آنکه «لعمري» و «قال السيد حيدر الآملي» و این «قيل» سه مطلب هستند که به هم ربطی ندارند. جواب «فان قيل» هم بعداً نیامده است.

---

[1]مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج۱۲، ص: ۵۲۵

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 08:39:27 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 08:16:37 توسط ... .